**اقتدار و ماهیت عطیۀ نبوت**

اعمال رسولان ۲:‏۱۴-‏۲۱

پس پطرس با آن یازده برخاسته، آواز خود را بلند کرده، بدیشان گفت: «ای مردان یهود، و جمیع سکنۀ اورشلیم! این را بدانید؛ و سخنان مرا فرا گیرید. زیرا که اینها مست نیستند، چنان که شما گمان می‌برید، زیرا که ساعتِ سوم از روز است. بلکه این همان است که یوئیلِ نبی گفت که خدا می‌گوید در ایام آخر، چنین خواهد بود که از روح خود، بر تمام بشر خواهم ریخت؛ و پسران و دختران شما نبوت کنند؛ و جوانان شما رویاها، و پیران شما خوابها خواهند دید؛ و بر غلامان و کنیزان خود، در آن ایام، از روح خود خواهم ریخت؛ و ایشان نبوت خواهند نمود؛ و از بالا در افلاک، عجایب، و از پایین در زمین، آیات را از خون و آتش و بخارِ دود، به ظهور آورم. خورشید به ظلمت، و ماه به خون مبدّل گردد، قبل از وقوع روزِ عظیمِ مشهورِ خداوند؛ و چنین خواهد بود که هر که نام خداوند را بخواند، نجات یابد».

هفتۀ گذشته سعی کردم این مطلب را روشن سازم که رسالۀ اول قرنتیان ۱۳:‏۸-‏۱۲، چنین تعلیم می‌دهد که وقتی عیسی بازگردد، عطیۀ نبوت از بین خواهد رفت؛ و تصویری که در آینۀ کدر می‌بینیم، جای خود را به چهره‌ای زنده خواهد داد. همچنین از این مقوله سخن به میان آوردم که از این‌رو، در کلیسای امروز، عطیۀ نبوت هنوز به قوت خود باقی است؛ و قول دادم که امروز به این پرسش بپردازم که عطیۀ نبوت چیست؛ و چگونه باید به کار گرفته شود؟

**قطعیت و بسنده بودن کتاب‌مقدس**

در همین ابتدا، بگذارید مطلب خود را با تأیید قطعیت و بسنده بودن کلام خدا؛ یعنی این شصت و شش کتاب در کتاب‌مقدس آغاز نمایم. آنچه که امروز دربارۀ نبوتها بیان می‌کنم، بدین معنا نیست که نبوتها به مانند کتاب‌مقدس، بر زندگی ما اقتدار دارند. هر نبوتی که امروزه صورت گیرد، به کتاب‌مقدس نمی‌افزاید، بلکه هر نبوتی، با کتاب‌مقدس سنجیده می‌شود. کتاب‌مقدس پایان یافته، و الهام دیگری به آن افزوده نمی‌شود. کتاب‌مقدس، شالوده و زیربناست، نه ساختمانی در حال ساخت.

بهترین شیوه برای بررسی این مهم، آن است که به تعلیم رسولان نگریسته، و ببینیم که چطور آن تعلیمات، در کلیسای اولیه از اقتدار نهایی برخوردار بودند؛ و چطور هیچ‌یک از دیگر نبوتها، دارای چنین اقتداری نبودند. برای نمونه، پولس در اول قرنتیان ۱۴:‏۳۷-‏۳۸ می‌گوید: «اگر کسی خود را نبی یا روحانی پندارد، اقرار بکند که آنچه به شما می‌نویسم، احکام خداوند است. اما اگر کسی جاهل است، جاهل باشد.» نتیجه، ساده است: تعلیم رسولان، از اقتدار قطعی و نهایی برخوردار است. پس از آن زمان تا امروز، هیچ ادعای نبوتی در کلیسا، از چنین اقتداری برخوردار نمی‌باشد.

در رسالۀ دوم تسالونیکیان ۲:‏۱-‏۳ نیز می‌توانید همین نکته را شاهد باشید. پولس در این آیات، بیان می‌دارد که حتی اگر کسی ادعا کند که می‌تواند با الهامی که به وی رسیده، شما را از بازگشت دوبارۀ عیسی مسیح آگاه سازد، در صورتی که گفته‌اش با آنچه من تعلیم داده‌ام، تفاوت دارد، ادعایش را باور نکنید. «اما ای برادران، از شما استدعا می‌کنیم دربارۀ آمدن خداوند ما عیسی مسیح، و جمع شدن ما به نزد او، که شما از هوشِ خود، به زودی متزلزل نشوید و مضطرب نگردید، نه از روح، و نه از کلام، و نه از رساله‌ای که گویا از ما باشد، بدین مضمون که روز مسیح رسیده است. زنهار کسی به هیچ وجه، شما را نفریبد، زیرا که تا آن ارتداد، اول واقع نشود . . . آن روز نخواهد آمد.» به بیان دیگر، کلام پولس رسول، باید که سنگ محکِ هر نبوتی باشد.

پس نکته اینجاست: امروز نیز عهد‌جدید، بر همان موضعی ایستاده که رسولان ایستاده بودند؛ و امروز نیز اقتدار رسولان، به واسطۀ نوشته‌هایشان، و نوشته‌های یاران نزدیکی همچون لوقا و مرقس و یعقوب (برادر خداوند)، پابرجا می‌باشد. بنابراین، پولس در آن روزگار، به همین ترتیب، بر تعلیم رسولان، مُهر اقتدار نهایی زد؛ و از این‌رو، ما نیز در این دوران، تعلیم رسولان را از اقتدار نهایی برخوردار می‌دانیم. این بدان معناست که عهد‌جدید، معیار ماست؛ و از آنجایی که عهد‌جدید، بر عهد‌عتیق در مقام کلام الهام شدۀ خدا، مُهر تأیید می‌زند، ما نیز کل کتاب‌مقدس را قاعده، و معیار سنجشِ کل تعالیم، و کل نبوتهایی که دربارۀ ماهیت اعتقاد، و شیوۀ زندگی‌مان صورت می‌گیرد، قرار می‌دهیم.

**در روز پنطیکاست چه روی داد؟**

حال، به اعمال رسولان ۲:‏۱۶ به بعد مراجعه کرده، تا ببینیم که دربارۀ عطیۀ نبوت در عهد‌جدید، چه چیزی را می‌توانیم فرا گیریم. موقعیت از این قرار است: روز پنطیکاست است؛ یعنی پنجاه روز پس از رستاخیز عیسی از مردگان. صد و بیست مرد و زن مسیحی، در اورشلیم در انتظارند تا «به قوت، از اعلا آراسته» شوند (لوقا ۲۴:‏۴۹). بر طبق اعمال رسولان ۲:۲، روح‌القدس، چون صدای وزش باد شدید، نازل می‌شود. لوقا در آیۀ ۴ می‌گوید: «همه از روح‌القدس پُر گشته، به زبانهای مختلف، به سخن گفتن شروع کردند.» آیۀ ۱۱، به آنچه ایشان بر زبان آوردند، دقیق‌تر اشاره می‌کند. چندی از غریبان که آواز ایشان را شنیدند، چنین گفتند: «اینها را می‌شنویم که به زبانهای ما، ذکر کبریایی خدا می‌کنند.» با دقت، به محتوای آنچه ایشان بر زبان آوردند، توجه کنید، چرا که این محتوا، در درک ماهیت عطیۀ نبوت، از اهمیت بسیاری برخوردار است.

**تحقق نبوت یوئیل**

در آیۀ ۱۶، پطرس توضیح می‌دهد که ماجرا از چه قرار است. او می‌گوید این همان چیزی است که یوئیلِ نبی گفته بود. این آغاز تحقق یافتن یوئیل ۲:‏۲۸ بود. سپس، پطرس در آیات ۱۷-‏۱۸، از یوئیل نقل قول می‌کند: «خدا می‌گوید در ایام آخر، چنین خواهد بود که از روح خود، بر تمام بشر خواهم ریخت؛ و پسران و دختران شما نبوت کنند؛ و جوانان شما رویاها، و پیران شما خوابها خواهند دید؛ و بر غلامان و کنیزان خود، در آن ایام، از روح خود خواهم ریخت؛ و ایشان نبوت خواهند نمود».

یوئیل گفته بود که در ایام آخر، روح‌القدس به شکلی عظیم و جهانی («بر تمام بشر»)، نازل خواهد شد؛ و نشانۀ آن نزول، نبوتهایی فراگیر و گسترده خواهد بود: مرد و زن، پیر و جوان، عالی‌رتبه و پایین‌رتبه، جملگی نبوت خواهند کرد. یوئیل می‌گوید که این مهم، در «ایام آخر» روی خواهد داد. اما «ایام آخر»، چه زمانی است؟ پطرس می‌گوید که ایام آخر، فرا رسیده است. «این همان است که یوئيلِ نبی گفت.» حال، اگر ایام آخر، از آن زمان آغاز گشته، پس ما در چه مقطعی از زمان قرار داریم؟

**ایام آخر**

ما نیز در ایام آخر قرار داریم. از زمان آمدن عیسی به این جهان، ما در ایام آخر به سر می‌بریم. رسالۀ عبرانیان ۱:‏۲ می‌فرماید: «خدا که در زمان سَلَف، به اقسام متعدد، و طریقهای مختلف، به وساطت انبیا، به پدران ما تکلم نمود، در این ایام آخر، به ما به وساطت پسر خود متکلم شد.» از زمان آمدن پسر، ما در «این ایام آخر» به سر می‌بریم.

بنابراین، این حقیقت، آنچه را که هفتۀ گذشته در خصوص نبوت بررسی کردیم، تصدیق می‌نماید؛ و آنچه هفتۀ گذشته بررسی نمودیم، این بود که امروز نیز دور از انتظار نیست که نبوتی صورت بگیرد. در این ایام آخر (روزگار ما)، مردان و زنان، پیران و جوانان، عالی‌رتبگان و پایین‌رتبگان، نبوت خواهند کرد؛ و این پدیده‌ای جهانی خواهد بود، زیرا همان‌طور که آیۀ ۱۷ می‌فرماید، خدا روحش را بر تمامی بشر خواهد ریخت، نه فقط بر یهودیان. پطرس در اعمال رسولان ۲:‏۳۹، موعظه‌اش را چنین خاتمه می‌دهد: «این وعده است (وعدۀ روح‌القدس در آیۀ ۳۸) برای شما، و فرزندان شما، و همۀ آنانی که دورند؛ یعنی هر که خداوند خدای ما، او را بخواند.» این وعده، ما غیر یهودیان را نیز که از جانب خدا خوانده شده‌ایم، شامل می‌گردد. نه اینکه همۀ آنانی که توبه کرده، و ایمان می‌آورند، نبوت خواهند کرد (اول قرنتیان ۱۲:‏۲۹)، اما همۀ آنانی که توبه کرده، و ایمان می‌آورند، از برکت حضور روح‌القدس برخوردار خواهند شد (آیۀ ۳۸)؛ و یکی از راههای تجلیِ روح‌القدس در ایام آخر، گسترش فراگیر و حیرت‌انگیز عطیۀ نبوت می‌باشد (آیات ۱۷-‏۱۸): «پسران و دختران شما نبوت کنند؛ و جوانان شما رویاها، و پیران شما خوابها خواهند دید؛ و بر غلامان و کنیزان خود، در آن ایام، از روح خود خواهم ریخت؛ و ایشان نبوت خواهند نمود».

**نبوتی که روح‌القدس موجب آن است، اما در ذات خود، از اقتدار الهی برخوردار نمی‌باشد**

حال، با خودتان این پرسش را مطرح کنید: آیا یوئیل و پطرس و لوقا می‌پنداشتند که جملگی مردان و زنان، پیران و جوانان، و غلامان و کنیزان، مانند موسی و اشعیا و ارمیا، نبی گشته، و به شیوۀ آنها نبوت خواهند کرد؟ آیا جملگی مردمان نیز می‌توانند الهام شفاهی گرفته، و مانند انبیا، از جانب خدا صاحب اقتدار شوند و کلامی را مکتوب نمایند که بدون خطا باشد؟ آیا نبوتی که اعمال رسولان ۲:‏۱۷ بدان اشاره می‌کند، چنین نبوتی است؟ و یا اینکه تفاوتی وجود دارد؟

من باور دارم که تفاوتی وجود دارد. من چنین نمی‌پندارم که عطیۀ نبوتی که امروز شاهدش هستیم، از همان اقتدار انبیای عهد‌عتیق، یا اقتدار عیسی و رسولان برخوردار باشد؛ و یا اگر بخواهیم مثبت‌تر بیان کنیم، باید بگوییم اگرچه این روح‌القدس است که عطیۀ نبوت را موجب می‌شود؛ و آن را حفظ می‌کند، اما این نبوت، در ذات خود، از اقتدار الهی برخوردار نمی‌باشد.

یکی از دلایلی که امروزه درک چنین نبوتی را دشوار می‌سازد، این است که بسیاری از ما در دسته‌بندی که در ذهنمان ایجاد کرده‌ایم، جایی برای چنین گفتاری به وجود نیاورده‌ایم، گفتاری که روح‌القدس موجب آن باشد، اما در ذات خود، از اقتدار الهی برخوردار نباشد. تناقضی در این میان به چشم می‌آید. چه بسا که چنین گفتاری، برای ما سنگ لغزش گردد، چرا که اگرچه گفتاری است که روح‌القدس موجب آن بوده، و آن را حفظ می‌کند، اما می‌تواند گفتاری خطاپذیر باشد. حال، همۀ تلاش من این است که امروز صبح، و بعد از ظهر را به این مهم اختصاص داده، تا به شما نشان دهم که ماهیت عطیۀ نبوت چه در عهد‌جدید، و چه امروز، چیزی جز این نیست. نبوت، گفتاری است که روح‌القدس موجبش بوده، و آن را حفظ می‌کند، اما در ذات خود، از اقتدار الهی برخوردار نمی‌باشد؛ و شاید که خطا و اشتباهی نیز در آن به چشم آید.

حال اگر آنچه بیان شد، عطیۀ نبوت را بی‌اهمیت نشان می‌دهد؛ و به نظر می‌رسد که باعث بنای کسی نمی‌شود، به مقایسه‌ای که با عطیۀ تعلیم صورت گرفته، توجه نمایید.

**مقایسه با عطیۀ تعلیم**

آیا نخواهید گفت که وقتی عطیۀ روحانی تعلیم به کار گرفته می‌شود، این روح‌القدس است که آن تعلیم را موجب گشته، و آن را حفظ می‌نماید؟ آیا نخواهید گفت تعلیمی که از این عطیه ناشی می‌شود، در مکاشفۀ الهی و عاری از خطا؛ یعنی کتاب‌مقدس ریشه دارد؟ عطیۀ تعلیم، که همانا روح‌القدس موجبش است؛ و آن را حفظ می‌نماید، به معنای توضیح و تفسیر حقیقت کتاب‌مقدس بوده، که به منظور بنای کلیسا انجام می‌پذیرد؛ و آری، همۀ ما یکصدا بر این باور بوده که این عطیه، در حیات کلیسا، از ارزش بسیاری برخوردار است. ولی آیا هیچ‌یک از ما خواهد گفت که گفتار معلمی که از عطیۀ تعلیم برخوردار است، عاری از خطاست؟ خیر. آیا خواهیم گفت که کلام آن معلم، از اقتدار الهی برخوردار است؟ البته فقط از یک نظر، کلام او را عاری از خطا می‌دانیم، ولی این عاری از خطا بودن، به معلم بازنمی‌گردد، بلکه منظور این است که منبع آن گفتار؛ یعنی کتاب‌مقدس، عاری از خطاست.

چرا چنین عطیه‌ای که روح‌القدس موجبش بوده، و آن را حفظ نموده، و در مکاشفه‌ای عاری از خطا (کتاب‌مقدس) ریشه دارد، به نوعی خطاپذیر بوده، و با چیزی در هم می‌آمیزد که کامل نیست؛ و از این‌ر‌و، از اقتداری برخوردار می‌شود که از آنِ خودش نمی‌باشد؟ پاسخ اینجاست که معلمی که کلام خدا را تعلیم می‌دهد، ممکن است که در درک و بینش خود از حقیقت کتاب‌مقدس، دچار اشتباه گردد؛ و چه بسا که ممکن است در تجزیه و تحلیلش از حقیقت کتاب‌مقدس، دچار اشتباه گردد، همان‌طور که ممکن است در توضیح و تفسیرش از حقیقت کتاب‌مقدس، دچار اشتباه گردد. هیچ تضمینی وجود ندارد که اگر کتاب‌مقدس عاری از خطاست، کلیسا نیز عاری از خطا باشد. عطیۀ تعلیم، تعلیمِ عاری از خطا را تضمین نمی‌کند.

ولی اگرچه عطیۀ تعلیم، خطاپذیر بوده، و اگرچه در ذات خود، از اقتدار الهی برخوردار نمی‌باشد، اما می‌دانیم که این عطیه، برای کلیسا بی‌نهایت ارزشمند است. همۀ ما به خاطر وجود معلمانی که از این عطیه بهره‌مندند، بنا شده، و برکت می‌گیریم. در این عطیه، دست خدا در کار است. خدا این عطیه را به کار می‌گیرد. عطیۀ تعلیم، عطیه‌ای روحانی است.

حال، این عطیه را با عطیۀ نبوت مقایسه کنید. این روح‌القدس است که عطیۀ نبوت را موجب شده، و آن را حفظ می‌نماید. عطیۀ نبوت، بر مکاشفه از جانب خدا، استوار است. این خداست که چیزی را در ذهن نبی مکشوف می‌سازد (به شکلی فراسوی درک و بینش معمول)؛ و از آنجایی که خدا هرگز اشتباه نمی‌کند، می‌دانیم که مکاشفه‌اش اصیل بوده، و هیچ‌گونه اشتباهی در آن وجود ندارد. اما عطیۀ نبوت، تضمین نمی‌کند که وقتی آن مکاشفه را انتقال می‌دهد، عاری از هر گونه خطا و اشتباه باشد. چه بسا که شاید نبی نتواند به درک و برداشت کاملی از آن مکاشفه برسد؛ و در نتیجه، آن را با کمی و کاستی منتقل نماید. به همین دلیل است که پولس می‌گوید که ما در آینه‌ای کدر می‌نگریم (اول قرنتیان ۱۳:‏۱۲). ثمرۀ عطیۀ نبوت می‌تواند نبوتی خطاپذیر باشد، همان‌طور که عطیۀ تعلیم می‌تواند تعلیمی به بار آورد که کمی و کاستی در آن به چشم آید. حال، پرسش من این است: «اگر تعلیم می‌تواند برای بنای کلیسا به کار آید، چرا نبوت نتواند همان‌طور که پولس می‌گوید (اول قرنتیان ۱۴:‏۳، ۱۲، ۲۶)، برای بنای کلیسا به کار آید؟ هرچند که هر دو خطاپذیر بوده، و با عیب و نقصِ انسان درآمیخته، و نیازمند محک خوردن می‌باشند».

**دسته‌بندی تازه‌ای را در ذهنمان بیافرینیم**

نکتۀ همۀ آنچه تا به حال عنوان کرده‌ام، این است: ما باید برای چنین گفتاری که روح‌القدس موجبش بوده، و آن را حفظ می‌کند، گفتاری که در مکاشفه ریشه دارد، اما باز هم به سنجش و از صافی گذشتن نیازمند است، دسته‌بندی تازه‌ای را در ذهنمان بیافرینیم. ما از یک سو، در کنار انبیای حقیقی که با الهام شفاهی و عاری از خطا سخن گفتند (نویسندگان کتاب‌مقدس که نبوت نمودند؛ و عیسی و رسولان)؛ و از سوی دیگر، انبیای دروغین که تثنیه ۱۳:‏۳؛ ۱۸:‏۲۰، آنها را محکوم می‌نماید (ارمیا ۲۳:‏۱۶)، به دسته‌بندی دیگری از انبیا احتیاج داریم. آنچه کتاب‌مقدس دربارۀ نبوت تعلیم می‌دهد، صرفاً به این دو دسته‌بندی ختم نمی‌گردد. ما در خصوص «عطیۀ روحانی نبوت»، عطیه‌ای که روح‌القدس موجبش بوده، و آن را حفظ نموده، عطیه‌ای که در مکاشفه ریشه داشته، اما با عیب و نقصِ انسان درآمیخته، و خطاپذیر بوده، و از این‌رو، نیازمند آن است که از صافی بگذرد، به دسته‌بندیِ سومی احتیاج داریم.

من به محک زدن، و از صافی گذراندن اشاره کردم، چرا که رسالۀ اول تسالونیکیان ۵:‏۱۹-‏۲۲، به این مهم اشاره می‌کند. این نبی نیست که راست و دروغ بودنش آزموده می‌شود. این نبوتها هستند که از صافی گذشته می‌شوند، تا نیکویی از بدی تشخیص داده شود. «روح را اِطفا مکنید. نبوتها را خوار مشمارید. همه‌چیز را تحقیق کنید؛ و به آنچه نیکوست، متمسّک باشید. از هر نوع بدی، احتراز نمایید.» این سنجیدن، بدان دلیل نیست که مشخص کنید که آیا نبی، راستین و بدون خطاست، یا دروغین و از خود مطمئن است. بلکه این سنجیدن از آن سبب است که بدانید کدام نبوت، نیکوست؛ و کدام نبوت نیکو نیست.

منظور پولس این است که اگر ما به خاطر این ناکامل بودن، از عطیۀ نبوت رویگردان شویم، روح‌القدس را خاموش خواهیم کرد. امیدوارم شما از صمیم قلب، خواهان این باشید که از چنین امری خودداری نمایید. اما چگونه از آن خودداری نماییم؟ گفتنی بسیار است؛ که من امشب بدان خواهم پرداخت؛ و در این خصوص، دلایل، و نتایج عملیِ بیشتری ارائه خواهم داد. باشد که خداوند، خودْ ما را در این راستا تعلیم دهد.